

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
سردبیر: آرش کمانگر شماره 258 یکشنبه 19 تیر 1384 10 ژوئیه 2005

مصاحبه با یاسمین میظر عضو هیات هماهنگی
اتحاد چپ کارگری ایران، پیرامون اجلاس G8
در اسکاتلند و اعتراضات گسترده علیه آن!

3 ص



بمب گزاریهای لندن
و کمک القاعده به دکترین "بوش - بلیر"

انفجار هفت بمب در پایتخت بریتانیا، جان دهها انسان را گرفت و صدها تن از مردم کوچه و خیابان را در ایستگاههای مترو و در داخل یک اتوبوس دوطبقه مسافربری مجروح نمود. لحظاتی پس از این عملیات جنایتکارانه، شاخه اروپایی القاعده با انتشار اعلامیه ای، مسئولیت آنها را برعهده گرفت. بقیه در صفحه 2

مبارزه با فقر به جهانی دیگر نیازمند است!

ترجمه گزارشی از **ATTAK** رسول آرام

گفتگو با چند دانشجو

در ایران بخش دوم

7 ص

از 6 تا 8 ژوئیه رهبران 8 کشور صنعتی با هم ملاقات کردند. جدیدترین تصمیم آنها این بود که مقدار کمی از بدهی کشورهای فقیر را مورد بخشش قرار دهند تا بدینوسیله به جهانیان نشان دهند آنها قدرت برتر هستند.

بقیه در صفحه 5

مبارزه بر علیه خصوصی سازی
و گلوبالیزاسیون در بولیوی

نوشته: خالد فیشاوی

ترجمه: احمد مزارعی از سایت: Zeenet.org

در حالیکه بوش رئیس جمهور آمریکا بخاطر پیشبرد امر خصوصی سازی و گسترش گلوبالیزاسیون به این یا آن کشور دنیا مسافرت میکند و در بعضی مناطق جهان با استفاده از انواع اسلحه های کشنده بقتل عام انسانها مشغول است، ملت بولیوی برای ملی کردن تاسیسات گاز خود انقلاب کرده و موفق شدند رئیس جمهور را برکنار و رئیس دیوان عالی کشور را به مصدر قدرت برسانند و این کار بزرگ در کمتر از سه هفته انجام گرفت. بقیه در صفحه 9

« انقلاب علیه فقر »

• در بزرگترین رویداد تلویزیونی تاریخ بشر، میلیونها نفر در کنسرتهای LIVE 8 برای ریشه کنی فقر آواز همبستگی سرودند.

در صفحه 10

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان



گرامی باد ششمین
سالگرد خیزش
هیجده تیر

14 ص

احمدی نژاد در کلاف سردرگم فقر و بیکاری
در خواهد ماند! رسول آرام

6 ص

سربازان روبوتی در خدمت جنایت کاران آمریکایی
ترجمه از فرانکفورتر نویه پرس

8 ص

تصحیص و پوشش

9 ص

با تاکید مجدد بر این رسالت عاجل ، از صمیم قلب ، مراتب
همدردی خود را با قربانیان انفجارهای تروریستی لندن ابراز
میداریم و خود را در عم بازماندگان آن فاجعه شریک احساس
میکنیم . « سردبیر »

بمب گزاریهای لندن

جریان مرتجع و بنیادگرای اسلامی " القاعده " که در جریان
جنگ مجاهدین افغانی با ارتش شوروی و دولت تحت الحمایه
آن ، توسط سازمان سیا ساخته و پرداخته شد ، در حالی
اقدام به این بمب گزاریهای وحشیانه نموده که دهها هزار نفر
از نیروهای چپ ، مترقی و فعالین جنبشهای کارگری و
اجتماعی و مخالفین جنگ امپریالیستی امریکا و متحدینش ،
در اسکاتلند ، همزمان با اجلاس هشت کشور عمده سرمایه
داری جهان در آنجا ، آکسیونها و میتینگهای پرشوری را بر علیه
کلوب امپریالیستی G8 سازمان داده بودند . انفجار بمب ها در
بطن چنین شرایطی ، بهترین هدیه ای بود که بنیادگرایان
تروریست اسلامی میتوانند به یوش و متحدینش بدهند تا
ضمن سرکوب این اعتراضات توده ای و تحدید هر چه بیشتر
آزادیهای مدنی ، سیاستهای جنایتکارانه خود را در مورد الویت
" مبارزه با تروریسم " به کرسی بنشانند .

نفع انفجارات لندن برای سیاستهای جنگ افروزانه و
اشغالگرانه نئو محافظه کاران حاکم بر امریکا به حدی بود که
پاره ای تحلیلگران سیاسی احتمال میدهند که خود
سازمانهای اطلاعاتی امریکا و انگلیس مشوق بخشی از بدنه
القاعده برای انجام چنین عملیات جنایتکارانه ای بوده باشند و
یا علیرغم آگاهی از تدارک چنین انفجاراتی ، به دیده اغماض
به آن نگرسته اند تا راحت تر به اهداف سیاسی و نظامی
خود دست یابند و بر تردیدهای برخی کشورهای عضو کلوب
هشت گانه فائق آیند .

خود این انفجارها اما بار دیگر نشان داد که امپریالیستها و
فاندمتالیستها دو روی یک سکه اند . آنها قبل از اینکه خصم
یکدیگر باشند دشمن آزادی و برابری انسانها بوده و در سرکوب
جنبشهای اجتماعی رادیکال ، سوسیالیستی و دمکراتیک ،
منافع مشترک دارند. هر یک از ایندو اردوی " متخاصم " به
همدیگر نیاز دارند تا جنگ و تروریسم و آواره گی و جنایت
سازمان یافته را در سیاره ما نهادی کنند . از اینرو مبارزه
همزمان با این دو نیروی ضدکارگری و ضد مردمی یکی از
وظایف عاجل و تعطیل ناپذیر نیروهای چپ و همه جریانات بشر
دوست است .

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49-40-6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.com

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص
میشوند ، الزاما بیانگر مواضع سازمان
نیستند .

مصاحبه با یاسمین میظر عضو هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری ایران، پیرامون اجلاس G8 در اسکاتلند و اعتراضات گسترده علیه آن!

یادداشت:

از اکتبر ۲۰۰۴ به این سو که فروم اجتماعی لندن پشت سر گذاشته شد، اجلاس سران سرمایه داری معظم جهان، موسوم به (جی ۸) در اسکاتلند، بزرگترین تجمع اعتراضی در بریتانیا بوده که بعد از گردهمایی سیاتل آمریکا، گوتنبرگ سوئد، جنوای ایتالیا، پرتو لگره برزیل، ابعاد اعتراضات ضد جهانی شدن سرمایه داری طی روزهای اخیر در اسکاتلند، چشم انداز دنیای سیاسی جدیدی را پیش روی چپهای سوسیالیستی می گذارد.

در این میان آمریکا و متحدان سرمایه داری اش، مدعی نظمی آشکارا دروغین اند. نظمی که حتی حق اعتراض مدنی به سیاست های خویش را در ابتداء با ممنوع کردن و بعد حق بیمه تراشیدن و سرانجام تظاهرات مسالمت آمیز جوانان دختر و پسر، زنان و مردان طرفدار صلح و دوستی و ضد سرمایه، علیه بی عدالتی های موجود جهان را با چماق سرکوب پا سخ می دهند و حتی برای همان نیروی جوان نیز کنسرت لایو نیز تشکیل می دهند ولی با سپر، کلاه کاسکت و باتون، گاز اشک آور، دستگیری، زندان و حتی مرگ مردم عادی، پاسخ شان را از تروریسم دولتی به تروریسم کورمی چسبانند. نشست سران در اسکاتلند نشان داد که تجمع و تهاجم صاحبان سرمایه، نمی خواهد دیگر باره با ماجازه دهد برای نمایش مبارزه با فقر و بی عدالتی به اعتراض برخیزیم.

گفتگوی رادیو برابری با یاسمین میظر عضو هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری که از ماهها پیش در رابطه با کنفرانس بزرگ کشورهای سرمایه داری جهان (جی ۸) که در روزهای اخیر در اسکاتلند برگزار گردید، سخت فعال و پراکار بود و خود نیز سیمناری را به نام اتحاد چپ کارگری در دفاع از موجودیت جنبش کارگری و لزوم هماهنگی دفاع از مبارزات کارگران ایران علیه سیاستهای نیولیبرالیستی جمهوری اسلامی و آلترناتیوهای مورد تایید آمریکا سازمان داد. این تنها سخنرانی در مورد ایران در این کنفرانس بود. یاسمین میظر در این گفتگو مستقیماً مشاهدات خود را از تظاهرات عظیم نیروهای ضد سرمایه اری برای ما بازمی گوید.

ما با اندکی تغییرات از گفتار به نوشتار، مراتب تشکر خود را از یاسمین میظر و دست اندکاران رادیو برابری اعلام می داریم.

هفته نامه راه کارگر

پرسش: خوشحال می گردیم که ابتداء در رابطه با تظاهرات امروز (چهارشنبه ۶ ژوئیه ۲۰۰۵) و چگونگی برگزاری آن را برای ما توضیح دهید.

پاسخ: امروز با ورود سران کشورهای عمده سرمایه داری، مشهور به (جی ۸) به اسکاتلند، با فراخوان اتحاد عمل جریان های چپ، فعالین کارگری و فعالین ضد جنگ در اسکاتلند، تظاهراتی در شهر نزدیک به این محل اقامت سران در گلاسگو برگزار شد. همانطور که می دانید، پلیس انگلیس ابتداء این تظاهرات را ممنوع اعلام کرده بود. بعد مطرح کردند برگزارکننده گان باید بابت بیمه، پول کلاهی بپردازند. چیزی حدود ۴۰٪ پوند بپردازند تا تظاهرات

برگزار گردد. وکلای حرکت جنبش ضد سرمایه داری موفق شدند، ادعای پلیس برای پرداخت حق بیمه را به چالش گیرند و کلا استدلال کردند: اگر این گونه باشد که پلیس ادعای کند، تنها آنهایی که پولدار هستند، حق برگزاری تظاهرات را دارند. در مقابل پلیس عقب نشینی کرد و اعلام داشت: که تنها ۵٪ / ۰۰۰ نفر حق شرکت کردن در تظاهرات را دارند. این رقم مسخره ای بود. چرا که با در نظر گرفتن حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر از سراسر اروپا برای شرکت در این تظاهرات وارد اسکاتلند شدند. به گفته اطلاعیه سازمان گران اعتراضات، از شنبه گذشته تا امروز، این جمعیت منتظر این تظاهرات بود تا نفرت خودشان را به رهبران ۸ کشور که مسئول کشتار جمعی عراق، مسنول کشتار جمعی در آفریقا، مسنول جنگ و فقر در سراسر جهان را نشان بدهند.



امروز صبح پلیس انگلیس - اسکاتلند، ۱۲ هزار نیروهای پلیس و مسلح از مناطق مختلف بریتانیا را به اسکاتلند کشانند. در عین حال صبح امروز اعلام کردند: که تظاهرات بالکل ممنوع است و این در حالی بود که بسیاری از کسانی که برای تظاهرات از شهرهای مختلف انگلیس - اسکاتلند راه افتاده بودند و حتی از دور و در محل برگزاری کنفرانس این قاتلان جمعی، در حرکت و همچنان در خیابان ها بودند. پس از اعلام این خبر پلیس، اعتراض و تظاهرات شدیدی در شهر ادینبورگ اسکاتلند شکل گرفت. دلیل پلیس برای بهم زدن تظاهراتی که از ماهها پیش شاید هم از یکسال پیش در دستور کار این فعالین بوده است، این ادعا فوق العاده مسخره بوده است، که به صلح بخطر می افتد. عده ای در نافرمانی مدنی، حتی بدترین تصاویری که پلیس خواسته نشان بدهد، تصاویری که پلیس خواسته نشان بدهد این بوده که اینها زنان و مردان با سنین مختلف بودند که تنها در وسط یک خیابان در اسکاتلند نشستند. پلیس بریتانیا مطرح کرد که اینها صلح کشور را بخطر انداختند!

من فکر می کنم: آن بخش از اپوزیسیون ایران که اینقدر بر حقوق بشر اهمیت می دهد، کافیه امروز در این کشور به حرکت پلیس انگلیس، آنچه که دیده شده، نگاهی جدی اندازد و بداند که این حقوق بشر سازمان ملل دقیقاً بر پایه دفاع از چی چیزی است؟ دقیقاً برای دفاع از مالکیت است!

سران کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان که در دفاع از یک اصل منشور حقوق بشر سازمان ملل، یعنی دفاع از مالکیت خصوصی و بازار آزاد، این فجایع را در دنیای ما بوجود آورده اند، باعث شدند تا امروز در اسکاتلند حق دمکراتیک برپایی یک اعتراض صلح آمیز، اینگونه به خشونت کشیده شود و در برابر اینها بالکل تابود بشود. این پلیس ها از افراد عادی که هیچ کاری هم به کسی نداشتند، بسیار آرام بطرف محل تجمع می رفتند؛ بازجویی می کردند. نام شان را می خواستند. آدرس محل زندگی شان را جویا می شدند. در مجموع همه ما شاید بودیم که حرکت سرمایه به کجا دارد می رود.

مصاحبه با یاسمین میظر ...

تظاهرات" فقر را از آن تاریخ سازیم" بود. این دو شعار تفاوت فاحشی با هم دارند. چون فقرا همین جوری و درهوا نمی شود به تاریخ سپرد! حدس من این است که جمعیتی که امروز در این تظاهرات بودند، تعدادش برابرتعدادی بود که روزشنبه 2 ژوئیه در ادینبورگ پیاده روی کرد. مشکل این جاست که قطعا پلیس در بیابانهای سبز و خرم اسکاتلند که انبوه جمعیت گرد آمده را با تاکتیک تکه تکه کردن، جمعیت را می شکست و آنها را از هم پراکنده می ساخت. ولی اگر همه این جمعیت را جمع بکنید و آن چند هزار نفری که اصلایلیس نگذاشت که برای حرکت و پیوستن بسوی این تظاهرات از شهر خارج گردود الان در شهر ادینبورگ تظاهرات می کنند، می شود گفت تعداد شان از روز شنبه 2 ژوئیه بمراتب بیشتر بود. نکته مهم این که این تظاهرات مضمونا و حیثیتا بسیار متفاوت است. تظاهراتی است که به هیچ وجه در آن خواهش و تمنا و تقاضایی از سران این کشورهای سرمایه داری نیست. خواستش افشاء این هاست. خواستش رساندن فریاد اعتراض خود به این سران است. در نتیجه از نظر حیثیت و ماهیت فرق دارد. طبعاً از نظر روحیات کسانی هم که در آن شرکت کردند تفاوت دارد. تعداد بیشماری جوان زیر 25 سال از کشورهای مختلف اروپا اینجا هستند و حضورشان در این حرکت خیلی خیلی واضح و روشنتر است. تظاهراتی که روز شنبه 2 ژوئیه شهروندان شهر ادینبورگ و شهرهای دیگر اسکاتلند هم در آن شرکت داشتند و رویهم تظاهرات آرام تری بود، خود را در طول این چند روز نشان داده است.

جدا از این تظاهرات، کنفرانس روز 3 ژوئیه با تظاهرات امروز مرتبط است. در حقیقت کنفرانسی بود که مثل همه موارد دیگری که سران کشورهای (جی 8) جمع می گردود جنبش ضد سرمایه داری سعی می کند، بحث هایی را در رابطه با حرکت سرمایه لیبرال، نقش سازمانهای جهانی و نقش دولت و نقش جنگ و پیشبرد این سیاستها در سازمانها، بحث های مختلف را باز بکند. در روز یکشنبه حدود 60 جلسه بحث برگزار شد. علاوه بر این شاید 10 تا 12 جلسه عمده تر، جلسه های طولانی تری پیرامون همین مضامین در مناطق مختلف شهر ادینبورگ برگزار شد. البته خود همین جلسه ها هم با حضور گسترده پلیس همراه بود ولی داخل جلسه ها وارد نمی شدند. چرا که می دانستند که حضور آنها باعث تهییج بیشتر شرکت کننده گان می گردد. در این کنفرانس موقعیتی پیش آمد که در یکی از جلساتی که من از آن اسم بردم، بطور مشخص در رابطه با کارگران ایران، بیکارسازی های گسترده در ایران، صحبت فراوانی شد. من خودم در آن جلسه صحبت کردم. سوالات بیشماری بود. جلسه حدود 3 ساعت طول کشید. ما آنجا توانستیم راجع به مسایل مختلف کارگران ایران تا حدی صحبت کنیم و به پرسش های حاضرین پاسخ گویم.

پرسش: ممکنه در رابطه با کنسرت های لایو 8 که در شهرهای مختلف جهان همزمان با اجلاس (جی 8) اسکاتلند برگزار شد، صحبت کنید توضیح بدهید اولاً این کنسرت ها به ابتکار چه کسانی برپا گردید و هدف شان از برگزاری این کنسرت ها همزمان با اجلاس سران 8 کشور در چندین شهر از جمله در لندن چه بوده و چه تاثیری در فضای اجلاس سران 8 مارس گذاشته است؟

پاسخ: کسی که این کنسرت ها را جا انداخت — همانطور که من بیشتر هم در جای دیگری از آن صحبت کردم — در حقیقت بخشی از نظام سرمایه و نظام حاکم در بریتانیا است. پوشش این کار این بود، که این جنبش را آرام کند و نگذارند که نیروهای ضد سرمایه داری این حرکت اعتراضی را از آن خود کنند و نگذارند که فریاد اعتراض شان بجایی برسد ولی در عوض یک نوع تمنا و خواهش و تقاضا را جایگزین این اعتراضات عظیم کنند! البته این کار جدا از اینکه در میانشان هنرمندانی

در این میان، من شخصا به علت اینکه با یک خبرنگار که کارت خبرنگاری داشت، همراه بودم. توانستم تا یک مایلی این هتل کذایی که این نوابغ در آن جمع بودند، راه پیدا کنم. تازه این هم بخاطر این بود که بقول پلیس انگلیس، ما اسلحه همراه مان نداشتیم. منظور پلیس انگلیس از اسلحه نداشتن هم جالب است. شما اگر پوستری همراهتان باشد. اگر پلاکاردی همراهتان باشد. اگر عکسی یا پارولی همراهتان باشد؛ اینها همه بعنوان اسلحه حساب می شود.

وقتی ما از یکی از مسئولین پلیس پرسیدیم: چرا از اینها بعنوان اسلحه استفاده می کنید. اینها همه وسایلی است که در تظاهرات آرامی بکار می رود. مردم حق دارند و حق مسلم شان است که با این وسایل به خیابان آیند؟ مسئول پلیس اسکاتلند مطرح می کند: این وسایل می تواند جان دیگران را بخطر بیاندازد!

در هر صورت ما موفق شدیم به یک مایلی، فکر کنم نزدیکترین جایی بود که می شد به این

مرکز رهبران کشتار جمعی نزدیک شد. ما در آنجا با حدود 400 پلیس روبرو بودیم. پلیس تمام جاده ها را بسته بود. بهانه شان این بود، چون تظاهر کننده گان دارند از راه می رسند. ما هم باید راه ها را ببندیم. شاید بشود گفت: در روزهای عادی از محل زندگی من تا اینجا کمتر از 30 تا 40 دقیقه طول می کشد، امروز 4 ساعت ونیم طول کشید. چون هر جاده ای را بسته بودند. هر مسیر و خیابانی که می خواستی طی کنی، پلیس آنجا را بسته بود. من شخصا کردستان ایران را که در زمان جنگ ترک می کردم، این همه آدم نظامی در محل و افراد مسلح ندیده بودم. حتا در ایرلند شما لی و در اوج جنگ داخلی، این همه سرباز و پلیس مسلح و مسلح به اسلحه سنگین ندیده بودم. پلیس بچه های 4 تا 5 ساله را که به همراه مادر و پدرشان بودند را نیز در طول خیابان با باتون بورش می برند تا مبادا کسی به این رهبران سرمایه داری جهان توهین کند. پرسش اساسی این است: در این فاصله این همه "نوابغ" که در آن هتل خراب شده جمع شدند، شده صدای اعتراض و فریاد این صف 100 هزار و 200 هزار نفری که بعضی هاشون پیاده، بعضی ها به قیمت دو چرخه سواری و بیراهه زدن و بعضی ها به قیمت سوار اتوبوس شدن که تازه پلیس در وسط راه جلوشان را گرفته بود، ولی به هر طریقی خود را به محل و منطقه رسانده بودند، را بشنوند؟ از اینرو بنظر من، اگر کسی همچنان توهمی به دمکراسی بورژوازی دارد، فقط کافی است که امروز نگاهی به کنفرانس سران جهان (جی 8) و برخورد پلیس بریتانیا به تظاهر کننده گان بیاندازد و این "دمکراسی" چماق را نه امروز بلکه تا آخر عمر به خاطر داشته باشد!

پرسش: با این اوصاف که شرح دادید، می توانید توضیح دهید که تظاهرات امروز چهارشنبه 6 ژوئیه در ادامه تظاهرات شنبه 2 ژوئیه بوده است و مسایل عمده ای که امروز مطرح گردید، چه محورهایی را پوشش می دهد؟

پاسخ: درست است. در حقیقت تظاهرات روز شنبه 2 ژوئیه برپایه ایتلافی به مراتب بزرگتر از ترکیب امروز تشکیل شده بود که تظاهرات امروز را برگزار می کند. بنظر من در این فاصله جمعیت زیادی به اسکاتلند رسیدند که احتمالاً و الزاماً در تظاهرات روز شنبه 2 ژوئیه نبودند. آنها اکثراً از فعالین جنبش ضد سرمایه داری هستند و به همین نام خودشان را معرفی نیز می کنند. اگر چه تظاهرات روز شنبه 2 ژوئیه در ادینبورگ چپ ها در این تظاهرات توانستند شعار "سرمایه داری را از آن تاریخ کنیم" را تا حدی جا بیاورند. ولی همانطوریکه میدانید شعار اصلی آن

مصاحبه با یاسمین میظر

ادامه از صفحه یک

مبارزه با فقر به جهانی دیگر ...

در مقابل دهها هزار نفر طرفداران واقعی بشر با تظاهرات گسترده خود در مقابل آنان فد علم کردند و بدینوسیله نشان دادند که هنوز هم آنها قدرت برتر نیستند و این مردم هستند که با تلاش ویی گیری واتحاد میتوانند در مقابل توطئه های آنان ایستادگی نمایند. تظاهر کنندگان میخواهند فقر را به گذشته بیاورند و اگر جی 8 قدم بسیار کوچکی در این راستا برداشته بدان معنی نیست که با تظاهر کنندگان در یک مسیر حرکت میکنند. آنها تا کنون قولهای فراوانی برای بخشودگی کشورهای فقیر داده اند که هیچ کدامشان بطور واقعی جامعه عمل نبوده است و حال دو باره چنین قولی را میدهند. تظاهر کنندگان تاکید میکردند که ما دلایل محکم و فراوانی داریم که خود را نه در کنار جی 8 بلکه جدا از آنها میبینیم آنها تاکید میکردند که ما معتقد هستیم که فقر با گسترش نتولیرالیسم نابود نمیشود بلکه تنها راه نابودی فقر نابودی نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی میباشد. رهبران جی 8 اگر راست میگویند و در جهت نابودی فقر در جهان حرکت میکنند بهتر است ابتدا در کشورهای خودشان این برابری اقتصادی و اجتماعی را مهیا نمایند. نتولیرالیسم که نسخه پیچیده شده واشنگتن است ، از 20 سال پیش به این سوابعاد بزرگتری بخود گرفته و بزرگترین دشمن فقرا میباشد. اکنون رشد اقتصادی مردم ضعیف تر از گذشته شده و امتیازات اقتصادی طبقات محروم در سطح همه کشور های جی 8 بشدت رو به نابودی گذاشته است. میزان بیکاری و عدم استفاده او امکانات اجتماعی گسترش یافته است. در اینجا است که این جهان نیاز به یک عمل جراحی بسیار بزرگ دارد و آن چیزی نیست جز بیرون کشیدن غده چرکین نیو لیبرالیسم و گلوبال از کالبد جهان میباشد. حاصل سیاست نیو لیبرالیسم در آفریقا و آمریکا لاتین به فقر نشاندن شدن بیشتر مردم و از گرسنگی مردن میلیونها نفر انسان بوده است. در نتیجه جی 8 با شعار فقر زدایی از کشورهای آفریقایی میخواهد چهره خود را انسان دوست معرفی نماید. اما طرفداران سوسیالیسم و طرفداران واقعی انسان تصمیم دارند این چهره کثیف را که در زیر نقاب طرفداری از انسان مخفی شده است را به جهانیان نشان دهند. رهبران کشورهای جی 8 میگویند کشورهای فقیر نیازمند هستند تا رهبران خوبی داشته باشند و دموکراسی آنها در جوامع زیر سلطه پیش ببرند ؛ تا با این نبرنگ سیاست گلوبال و نیو لیبرالیسم در آن جامعه پیاده نمایند. سیاست تجارت جهانی وابسته به جی 8 موظف میباشد که مرز کشورهای فقیر را برای فروش محصولات بنجل کشورهای صنعتی باز نماید تا بدین وسیله کشورهای ثروتمند بتوانند بیشتر تولید کنند و کشور های فقیر درب کارخانه های خود را ببندند. بدینوسیله جیب سرمایه داران جهانی پر تر و کارگران در کشورهای فقیر بیکار تر شوند. بدهی هایی را که جی 8 مدعی است به 18 کشور فقیر خواهد بخشید، بسیار کمتر از مقدار است که صاحبان شرکت های فراملیتی سالیانه در نتیجه صادرات مواد بنجل آنها را بدهکار تر مینمایند. یک راه حل دیگری برای رهایی مردم از چنگال سرمایه و مبارزه با فقر وجود دارد آن اینکه بایستی همه مردم فقی و غنی جهان دست در دست هم بدنبال راه حلی باشند که از مخیله خودشان تراوش نمایند. اولین قدم در این راه این است که همه فرض های کشورهای جهان بخشوده شود. کلمه فقر به زبانه دان تاریخ ریخته شود و این در صورتی امکان دارد که آنها نیازی به تولیدات بنجل کشور های ثروت مند نداشته باشند. کشورهای جهان نیازمند ساست مستقل میباشند آنها باید خودشان تصمیم بگیرند که به چه محصولاتی نیازمند میباشند؛ و چه مشغولیاتی برایشان مناسب میباشد. فقر هیچگاه نابود نخواهد شد مگر اینکه به حقوق آنان توجه شود و از سوی کشورهای ثروت مند به این حقوق احترام گذاشته شود. بدین جهت است که سیاست های جی 8 هیچ گاه نه تنها نخواهد توانست کوچکترین ذره ای از فقر را نابود نماید بلکه مردم را روز به روز به هلاکت و نابودی هدایت خواهد نمود. از اینروست که باید گفت برای نابودی فقر در جهان نیاز به جهانی دیگر داریم.

07.07.05

رسول آرام - ترجمه از سایت attack

بودند که هنرشان را مجاناً عرضه کردند ، آنهم برای مبارزه با فقر و هدف پیشبردن طرح موضوع فقر در آفریقا که کار درست و بایسته ای کردند. ولی اگر دقت کرده باشید من نمی دانم که امشب بنا است کنسرت مشابهی در ادینبورگ داشته باشند ، چکاری خواهند بکنند؟ ولی آنچه در لندن شاهدش بودیم، وحشتناک بود. این گلدوف ، آقای بیل گیت را که از سرمایه داران عمده و یکی از مسنولین فقر آفریقا و جهان است را به صحنه دعوت کرده بود! و همچنین از سرمایه داران دیگری که ایشان دعوت کرده بودند تا کارهای دیگری که در پیش و پس از تجاوز و جهان گستری صورت داده بود. از نشستن در کنارتونی بلرکه مسنول کشتار جمعی عراق است یا جا گرفتن در کنار گوردن براون که عقیده دارد: کلونیالیسم در آفریقا کاردرستی است. اشکال کارتها در این است که اشتنمار تازه ای ازین رفته است. اگر همه این ها را در کنار هم بگذاریم. وجه خوبی ازین کنسرت ها بدست نمی دهد. خاصه از روزی که آقای گلدوف پایش را به ادینبورگ گذاشته است، تنها صحبتش در اثناء کسانی است که خشن هستند و شلوغ می کنند!

من نمی دانم تعریف نافرمانی مدنی چیست؟ ولی آنچه که طی این دو یا سه روز در اسکاتلند دیدم، اگر این نافرمانی صلح جویانه نیست ، واقعا باید یکی بیاید و تعریفش از نافرمانی را یادمان بدهد. نشستن آدم غیر مسلح بر روی کف یک خیابان ، بنظرم نافرمانی است و هیچ تعریف دیگری غیر از این نیست. اگر آقای گلدوف و ژو پلیس انگلیس را برای تعریف کسانی از آن استفاده می کند که در اعتراض به نظام سرمایه داری دست به کار صلح آمیز زدند. باید پرسید: که اصلا هدف از برپایی این کنسرت ها چه بوده و در نهایت چه کرده و چه کسانی و چه افکاری ، پشت این قضیه بودند ؟ که با توجه به مواضع اعلام داشته اش، شدیداً کل قضیه را زیر سوال می برد. ولی باز هم می گویم؛ از اینکه یک عده خواننده دست به چنین کاری زدند طبیعی است، نمیشود مخالف چنین کاری بود. اما در قبال کاری که صورت گرفته یعنی به خاطر این کنسرت های لایو 8 که پیش آمده ، اتفاقاً جمعیت بیشتری به تظاهرات ضد سرمایه داری ، آروزها راه پیدا کردند. در نتیجه شاید نا خواسته که بنظرم حتما ناخواسته آقای گلدوف در تجمع اسکاتلند از نظر رقمی کمک کرده و تعدادی از آن افراد وقتی شعارها و تظاهرات و بیان نظرات مختلف در شهرها را دیدند، خیلی از آنها تصمیم گرفتند، بجای کنسرت امروز در اینجا در جنگلهای اسکاتلند بر علیه سرمایه داری و تجمع سران کشورهای (جی 8) شعارهای جنبش ضد سرمایه داری را تکرار کنند. ویژه گی عمده تظاهرات امروز هم همین بود. افشاء بی چهره گی نشست سران و پلیس حامی سرمایه و قدرت عمل گسترده جنبش ضد سرمایه داری و آرایش جدید این جنبش در برابرنشست سران (جی 8) . ما باز هم در این باره گفتگو خواهیم داشت.



احمدی نژاد در کلاف سردرگم فقر و بیکاری در خواهد ماند ! رسول آرام

آنچه اکنون زمین بازی احمدی نژاد را پر بیننده کرده، دلیلش نه انتخابات قلابی دوره نهم و بر مسند تکیه دادن وی بر کرسی ریاست جمهوری اسلامی است؛ بلکه چگونگی عبور او از سد دفاعی مردم و عبور از شعله های خشم آنها که خود را بصورت درخواستهای اقتصادی و برابری اجتماعی؛ رفع ستم از کارگران؛ خلقها؛ نابرابریهای جنسی و هزاران درد و بلا متفاوت؛ بروز میدهد؛ میباشد. از اینروست که او تمام توان نظامی رژیم و حمایت معنوی و مادی همه آیات عظام را در پشت خود دارد. تا کنون هیچ یک از اصلاح طلبان داخل رژیم بغیر از کروبی به صراحت در افشای حقه بازی های دستگاه در انتخابات سخن نگفته و او هم که حرفی زد از سوی رییس اصلی حکومت متهم به توطئه بر علیه "انقلاب" گردید و مجبور شد غلاف کند و برای خالی نبودن عریضه اقدام به تشکیل حزبی بنام "اعتماد ملی" کند. از اینروست که در میدان بازی؛ احمدی نژاد یکه تازی است که میباید از قله قاف عبور نماید. بدین جهت است که فرماندهان ارتش و سپاه یکی پس از دیگری حمایت خود را از او اعلام میدارند. او در حقیقت پای درمیدانی گذاشته که سنگلاخها و پستی بلندی هایش را بخيال خودش تنها بوسیله تانکهای ارتشی میتوان هموار کرد. زیرا قول و قرارهای احمدی نژاد نتیجه ای جز سرکوب مردم در ازای درخواستهایشان نخواهد داشت. برای اثبات این موضوع کافست؛ نگاهی سطحی بیاندازیم به جایگاه اقتصاد وابسته ایران به جهان و وابستگی 90 درصدی آن به درآمدهای نفتی از یکسو و از سوی دیگر نرخ 12 درصدی بیکاران رسمی در ایران که عمدتاً از هیچگونه کمک های اجتماعی برخوردار نیستند و سالیانه یک میلیون نفر فارغ التحصیل به آنها اضافه میگردند. این در حالی است که از کسانی که بعنوان شاعل نام برده میشود میلیونها نفر به مشاغل کاذب مثل فروش سیگار و اجناس بنجل مشغولند؛ بدون اینکه آنها هیچ گونه اطمینانی برای تامین مخارج روزانه اشان داشته باشند؛ با جان کندن مشغول ادامه حیات میباشند. در کنار آنها میلیونها زن خانه دار که هیچگاه در جمهوری اسلامی بعنوان نیروی بیکار بحساب نیامده اند قرار دارند که میزان واقعی نرخ بیکاری را به مراتب خیلی بالاتر از 12 درصد باید محاسبه نمود. این از یکسو و از سوی دیگر نرخ تورم غیر قابل قیاس با همه کشورهای جهان و عقب ماندگی تکنولوژی و فشار سیاست تجارت انگلی بر تکنولوژی بدون توجه به سرمایه گذاری و عدم حمایت از صنایع ملی؛ و از همه مهمتر نابرابری اقتصادی در جامعه و فساد دستگاه حکومتی و تاراج مردم توسط دست اندرکاران. آنگاه متوجه عمق فاجعه خواهیم شد. در چنان محشری است که نه امکان برخورداری آزادانه از امنیت اجتماعی برای مردان و زنان و جوانان وجود دارد و نه فرصت های اقتصادی برای آنان. در رژیمی که نه آزادی سیاسی و حق تعیین رییس جمهور و نمایندگان واقعی و نه حق تعیین سرنوشت برای خلقها و نه امنیت اقتصادی و اجتماعی؛ سیاسی وجود دارد و محرومیت بهداشت و درمان و سواد آموزی و سرکوب خشن هرگونه اعتراض و افشاگری؛ فغان حتی خودیهایشان را به بالا برده است؛ آیا شعار برابری اجتماعی جز یک فریب نیست؟ گرچه قیمت نفت بطور سرسام آوری افزایش یافته و اکنون به میزان بشکه ای 60 دلار رسیده است اما این حتی برای کسانی که بخواهند در جهت توزیع عادلانه ثروت اقدام کنند نمیتواند تکیه گاه محکم و با ثباتی باشد. زیرا که توزیع عادلانه ثروت وقتی معنی پیدا میکند

که هرکس بتواند از نیروی کار خود باندازه نیاز واقعی اش مزد کافی دریافت کند؛ تا مجبور به انجام کارهای انگلی و وقت گیر نگردد. یکی دیگر از منچلابهایی که احمدی نژاد در آن غوطه ور خواهد شد میزان رو به افزایش واردات در ازای فروش نفت به کشورهای صنعتی میباشد. این میزان در شرایط فعلی تقریباً هم سطح بوده و در حال گسترش است. بعنوان نمونه میتوان تازه ترین قراردادهای تجاری در زمینه واردات میوه و انواع مواد غذایی با کشورهای دیگر را ذکر نمود که البته بخاطر رفاه حال "مردم" بسته شده است. ادامه این سیاست همانگونه که تا کنون بوده است؛ اولاً موجب افزایش بیکاری کسانی که هم بصورت فصلی در باغات و یا دایمی در کارگاههای کوچک و بزرگ مشغول کار میباشند و بر اثر زیان دهی و ورشکستگی باغات و کارگاهها، از کار بیکار خواهند شد؛ میگردد. بخش اعظم درآمدهای نفتی و صادرات صرف واردات اجناس بنجل میشود و هر آنچه که باقی میماند بعنوان ذخیره ملی پس انداز میگردد. این ذخیره ارزی همواره مورد دستبرد دست اندر کاران رژیم قرار میگردد. آنها با این ذخیره ارزی هیچگونه اقدامی در جهت بهبود وضع اجتماعی و بهداشتی و درمانی مردمی که طبق ادعای معاون وزیر بهداشت؛ هم اکنون برای هر 4000 خانواده روستایی یک پزشک عمومی مشغول کار است؛ صورت نمیدهند. از این روست که اختلاف طبقاتی بین کسانی که پولهای باد آورد را پارو میکنند و آنان که به نان شب خود محتاجند همواره رو به گسترش است. از همه گذشته تمام نقدینگی کشور به جیب کسانی میرود که هدفی جز تلمبار کردن ثروت های خصوصی ندارند؛ دادوستد های آنان و صدای رشوه گیری و رشوه دهی هر کدام از رهبران رژیم و خصوصاً خانواده هاشمی رفسنجانی و ثروت های افسانه ای آنان از هر کوی و برزنی بگوش میرسد. در همین اواخر بود پس از خط و نشانه کشیدنهای احمدی نژاد برای خانواده هاشمی رفسنجانی؛ دست غیب و حمایت "آقا" از او بلند شد و دستور داد تا کسانی که موجب خدشه دار کردن "حیثیت" سیاسی رفسنجانی شده اند را شناسایی کنند. و از او تمجید و تقدیر نمود. گرچه احمدی نژاد تصمیم دارد به عنوان پادشاه انتصاب خود به مقام ریاست جمهوری مبلغ 300 هزار تومان به ارتشیان و سپاه برای یکبار پرداخت نماید؛ اما هیچکس نمیتواند منکر این شود که انتظارات مردم و حتی خود این ارتشیان و سپاه که گول حرفهای احمدی نژاد را خوردند؛ چیزی خیلی فراتر از این اینهاست. انتظارات مردم که با شعار های عوامفریبانه احمدی نژاد خود را عریان نموده است همچون ریسمانی به دست ویای احمدی نژاد گره خواهد خورد. این انتظارات نه از سوی احمدی نژاد که نماینده یک سیستم آلوده به خون مردم میباشد و نه آن مجلس عقب مانده اش عملی میباشد. از مجلسی که بر سر دادن دو ماه حقوق بیکاری به میزان 80 هزار تومان به کارگران؛ آنها را مفت خوار و تنبل مینامند و رییس مجلسی که از کارگران میخواهد به حق خود قانع باشند و بگذارند سرمایه داران با سرمایه خود برای آنان کار تولید کنند؛ در کنار احمدی نژاد که هدفی جز خدمت به ارتجاع ندارد؛ آیا میتوان انتظاری غیر از به فلاکت کشیدن طبقات ضعیف و در نهایت سرکوب درخواستهای آنان داشت؟ اما مردم اینبار از پای نخواهند نشست و به رغم همه مشکلات، در برها کنونی دستها را بالا خواهند زد و برای نان و در خواستهای اقتصادی و سیاسی خود مبارزه ای بی امان و بدون سازش طبقاتی را بر علیه تمامیت رژیم اسلامی آغاز خواهند نمود.

7 ژوئیه 2005

گفتگو با چند دانشجو در ایران

خوانند، به اعتقاد من و ماها این ها دام است و دانشجویان باید بیشتر مراقب باشند.

(بخش دوم و آخر)

یادداشت:

۱۸ تیر ۸۴ در راه است، شش سال پیش درچنین روزهایی دانشجویان ازکوی دانشگاه بیرون آمدند تا ضمن دفاع از موجودیت خود، بر تحقق آزادی نیز تاکید ورزند و مطالبات معوقه خویش را دنبال نمایند. بر آن شدیم که باچندتن از دوستان دانشجویان داخل کشور گفتگویی را صورت دهیم. ایده گفتگوی پالتاکی را با آنان در میان گذاشتیم که پسندیدند. در این گفتگوها در دو بخش می آید، مایه لحاظ ملاحظاتی امنیتی با اسامی مستعار این دوستان: (خاتم: ساشا و آقایان: بشارت، شب خیز، آزادی) با آنها به بحث می نشینیم.

هفته نامه راه کارگر

دوستان عزیز، از همین قسمت بحث، چند نکته به شکل پرسش به ذهنمان رسید، با شما در میان می گذاریم، هر کدام از دوستان، تمایل داشتید، می توانید پاسخ دهید.

پرسش: دوستان خانم شب خیز در یک جا می گوید: باید جدی و مقاوم بود با سرنگونی و پیروزی جنبش، آنرا ادامه داد. جای دیگر دوست دیگرمان بشارت از اعتراضات و نافرمانی مدنی صحبت میکند. می خواستیم ببینیم؛ از نگاه شما دونفر، سرنگونی را چگونه و تحت چه شرایطی ممکن می دانید و دیگر اینکه درک تان از نافرمانی مدنی چیست و آیا در بین دانشجویان و در سطح عمومی جامعه می توانید از تاکتیک نافرمانی های مدنی شاهد مثالهایی را ذکر کنید؟

پاسخ: دقیقاً نمی دانم چه جوابی می شود داد، اگر روسری خانم ها که عقب باشد و شلوارشان کوتاه و تنگ، نافرمانی حساب شود، که از نظر من باید حساب شود از این گونه نافرمانی ها بسیار است. اما اگر خودمان را واقعی ببینیم و نگاه تخیلی به موانع ایران نداشته باشیم باید اعتراف کنیم که خبری نیست که حاکی از مسدود بودن فضا باشد برای حتی نافرمانی های مدنی، هر نوع حرکتی خاصه در رژیم های استبدادی مانند ایران که قدرت زیادی به واسطه فروش نفت دارند، می بایست حساب شده تر و سازمان یافته باشد. این وظیفه شما اپوزوسیون هزار پاره در خارج است که نخست خود را و سپس جوانان و دانشجویان پیشرو را سازمان دهد.

پرسش: یعنی از نظر شما نافرمانی و سرنگونی یکی است؟

پاسخ: نه، نه یکی نیست. ولی اولی راه دومی را هموار می کند.

پرسش: جدا از آنچه بعنوان وجه برجسته صفت ۱۸ تیر گفتید، دیگر نکات برجسته و درس آموز این خیزش را چگونه می شمارید؟
پاسخ: 1- دانشجویان فهمید که می توانند بنیان های ارتجاع را بلرزاند.
2- ارتجاع حاکم متوجه شد که نارضایتی دانشجویان برایش دردسرساز است، بنابراین روش های خود را در دانشگاه ها تغییر داد! نمونه اش انتشار انواع نشریات دانشجویی و حتی برگزاری میتینگ اول ماه مه در دانشگاه تهران و درست در مقابل جایی که نماز جمعه می

پرسش: دوست مان آزادی می گوید: اینان با ضرب و زور انتخاب بین دو گزینه " بد " و " بدتر " را به این جهت دنبال کردند که از گزینه سوم - که ما سرنگونی طلبان - هستیم، که تغییر بنیادین رژیم را نشانه گرفته ایم، فرار کنند. اگر کمی دقت کنید، اینها که دور اول سراغ برنامه اعلام شده " جبهه دمکراسی و حقوق بشر " آقای معین رفتند و در درودوم همواره از ظهور فاشیسم و شمشیر خون چکان او بود که رفسنجانی را عمده کردند تا از احمدی نژاد عبور کنند. حالا پرسش من از شما مشخصاً این است. فکر می کنید فاشیسم نوظهور، پشت همین صندوقهالانه کرده بودیامی توان تبلور فاشیسم را در طول تمامی سالهای سیاه حاکمیت هم می توانستند نشان کنند که عمداً آنرا نادیده می گرفتند و چرا؟

پاسخ: این فاشیسم نیست، رفتارهای شبه فاشیستی است، چرا که ج.ا هنوز به مرحله سرمایه داری پیشرفته نرسیده که از دل بحران های آن فاشیسم در ساختارش ظهور کند. بیشتر همان استبداد آسیایی است که بیشتر مثلاً آغا محمد خان و یا نادر شاه در اواخر عمرشان نشان داده اند و ... در مقابله با آن تنها راه کار انقلاب است. می بایست بدون در نظر گرفتن اشکال شبهه دموکراتیک و یا فاشیستی که نظام ج.ا به خود می گیرد با هدف براندازی و حول محور یک اپوزیسیون جهانی به افشاء و مبارزه تا پیروزی مردم بر حاکمیت مبارزه را ادامه داد، فارغ از این که احمدی نژاد فاشیست باشد و یا هاشمی تکنوکرات و یا خاتمی خندان و دمکرات. این ها مهم نیست. تنها و تنها براندازی و جستجوی راه های مبارزه مدنی و حقوقی در خارج از چهارچوب قانون اساسی ج.ا مهم است.

پرسش: اگر از من بپرسید؛ آنکس که در پیروزی حیرت انگیز محمود احمدی نژاد، بیش از همه نقش تعیین کننده داشته است، کیست؟
پاسخ: خواهیم گفت: خودسالوسی عالیجناب سرخ پوش بوده که او را از زیر عبای خامنه ای بیرون داده است. عالیجنابی که مردم او را " یار غار امام "، " امیر کبیر نظام "، " سردار سازندگی "، " اکبر شاه " که مشابقت او با شاه را به میان می کشد، معرفی می کنند. حالا شما فکر نمی کنید، این دوستان این همه، ما را به استفاده از حق شهروندی دعوت می کنند. حق رای ندادن هم بمانند حق انتخاب و استفاده از حق شهروندی، یک حقی است که باید محترم شمرده شود، در حالیکه شرکت در انتخابات با ادعای استفاده از حق شهروندی، مشارکت در الیگارشسی قدرت و بازی در حیات خلوت جمهوری اسلامی است؟

پاسخ: دقیقاً چنین است که می فرمائید. رای ندادن هرگز انفال نیست، رای دادن به هاشمی بین انفال است. چرا که ناگزیر خود را فریفتن و آگاهانه به خطا رفتن است که خطرناک ترین خطاها است. رای ندادن و دم شرکت در انتخابات کار را به جانی می رساند که بازی به قول شما از حیاط خلوت رژیم به میدان علنی و صحنه دیپلماتیک آن کشیده شود و رسوائی هایی چنان که می بینیم دامنگیر رئیس جمهور منتصب ولی فقیه بشود.

پرسش: فکر می کنید این گرایش جنبش دانشجویی، چرا شکست خورد در دوران اول و دوم را به حساب بدویبراه گفتن به ما تحریم کننده گان خلاصه کرده و می کنند و از پاسخ جدی به شما و ما فرار می کنند؟

پاسخ: اصلاً مهم نیست که پاسخی داده شود و یا نه، رای بیش از ده میلیونی احمدی نژاد بهترین پاسخ بود برای این ها، هنوز از شک

گفتگو با چند دانشجو ←

...

درنیا آمده اند و یا احتمالاً پیرو همان تئوسیده 57 خویش در جستجوی گروهی مترقی در اصولگرایان هستند ☺ من به این دوستان تبریک می گویم و برایشان آرزوی موفقیت دارم. بدو و بپراه هم که اصلاً مهم نیست. بگذارید در چهل مرکب خویش بمانند.

پرسش: یکی از دوستان از مهندسی اصلاحات صحبت بمیان آورد. شما ها حتما اسم سعید جباریان را شنیدید، همان کسی که حزب الله در دولت خاتمی می خواست ترورش کند و تیرش خطا رفت. همین آقا یکبار نوشته بود: "اصلاحات مُرد، زنده باد اصلاحات" حالا در آستانه انتخابات روز ۶ خرداد ۸۴ در نشست گروه های پشتیبان دکتر معین و دفتر های او در سراسر کشور اعلام کرد: "این اصلاحات مُرد، ما اصلاحات بعدی را باید با توان بیشتری از سر بگیریم" (سایت رویداد، ۶ خرداد ۸۴)، شما ها که دوره ۸ ساله اصلاحات خاتمی را تجربه کردید و تا حدی صابون آن به تن شما ها خورده است. آیا با این قانون اساسی و با وجود این نظام، اصلاحاتی معنی پیدا میکند؟ اگر آری چگونه و اگر نه چرا؟

پاسخ: نه، ما ها این آقا را بارها از نزدیک دیدیم و یک بار با او صحبت هم کردیم، در موضع مخالف نظام هم وارد بحث شدیم، نهایتاً به ما تهمت زد که منافقیم و صراحتاً گفت که با اصل نظام و اصل ولایت هیچ مشکلی ندارند و هدف آن ها تنها اصلاحاتی است که منافع گروهی خودشان را تامین کند. دیدیم که در دوران هشت ساله که حزب مشارکت قوه مقننه و مجریه را در اختیار داشت، هرگز به سمت شکل گیری یک ساختار حزبی نرفت و در حد همان کادری که به رده های بالای حکومتی رسیدند باقی ماند و نهایتاً سعی داشت. پوسته نظام را جلا دهد تا در عرصه بین المللی هم منافع نظام حفظ شود، هرنوع برداشت از مشارکت و اصلاح طلبانه حکومتی در این باره که تغییری بنیادی ایجاد کرده و یا خواهند کرد یک ساده انگاری کودکانه و حاکی از عدم شناخت اسکلت نظام و این اشخاص است. این همان فریبی است که آقای خُشایار دیهیمی و بسیاری از روشن فکران دیگر که مشخصاً مخالف نظام و در این رژیم زندانی بوده اند خورده و به اصلاح طلب ها اعتماد کردند. کاری که مردم در انتخابات نشان دادند که هرگز دیگر نمی کنند.

پرسش: از نظر شما، چرا ۱۸ تیر امسال تا حدی سوت و کُوراست، آیا تحت تاثیر فضای بعد از انتخابات است یا علت دیگری برای آن می شناسید؟

پاسخ: طبیعی است. دانشجویان نسل دیگری آمده اند. از نسل دانشجویانی که شاهد 18 تیر بودند و به آن ها ظلم شده امروز کمتر کسی در دانشگاه مانده است. جنبشی کور مانند 18 تیر که سازماندهی نشده و رهبری فکری و عملی نداشته باشد، تنها با انفجارهای آتارشیستی قادر به ادامه خواهد بود. حالا دیگر شاید مهم هم نباشد که 18 تیر چی شده، آن روز تا حدی واقعه ای بود که به تاریخ مبارزات درخشان مردم ایران پیوست. باید در تدارک و سازماندهی جنبشی عظیم و جهانی بر علیه ج.ا.باشیم. 18 تیر در این راه می تواند راهنمای خوبی باشد. یک آزمایشگاه که رفتارهای فاشیستی رژیم را نمایان می

کند.

از همه شما به خاطر شرکت در این گفتگو متشکرم. امیدوارم با آغاز گشایش دانشگاهها بتوانیم به همین شکل، پیرامون مسائل دانشگاهی و اجتماعی گفتگو داشته باشیم. باردیگر تشکرمان را بپذیرید!

سربازان روباتی در خدمت جنایتکاران آمریکایی

وقتی به سربازی بگویند؛ تو باید آدمهای بیگناه را بدون اینکه به تو آزاری رسانده باشند بکشی؛ اگر او خود حتی در زمره قسی قلب ترین انسانهای روی زمین باشد؛ اولین سوالی که مطرح میکند و خواهان پاسخگویی فرمانده خود به آن سوال میباشد؛ این است که چرا باید آدم بکشد. زیرا که حتی یک آدم کش بدون اینکه منافع بزرگی نداشته باشد، دست به آدم کشی نمیزند.

او وقتی اقدام به آدم کشی میکند که از نظر مادی و معنوی کاملاً نامین گردد. در غیر اینصورت قاتل و یا کسی که بعنوان شغل؛ روی به آدم کشی میاورد، بایستی واقعا از نظر مغزی کور و کر باشد و مثل ماشین آدم کشی اقدام به کشتن انسانهای بیگناه بکند که چنین انتظاری را نمیتوان از بیرحم ترین انسانها هم داشت؛ چه رسد به سربازانی که بعنوان دفاع از "منافع ملی و میهنی" و یا واژه های اینجینبی وارد "خدمت نظام" میشوند. و فوراً آدم کشی در عراق و افغانستان برای سربازان آمریکایی بسیار مساله ساز بوده و ذهن فرماندهان جنایتکار آمریکایی را بخود مشغول داشته آنها متوجه شدند که چگونه سربازان و درجه داران و حتی افسران ارتش که غالباً دارای زن و فرزند میباشدند در مقابل دستورات مافوق خود به آدم کشی مقاومت میکنند و تمایلی به آدم کشی ندارند.

سربازان که بایستی دستور مافوق خود را اجرا میکردند؛ پس از کشتار تعدادی زن و کودک بیگناه؛ در درجه اول دچار بیماری روحی شده و به نوعی استرس و دپرسیون حاد دچار میگرددند. آنها مجبور میشدند در مخیله خود با خود کلنجار روند و از خود بپرسد چرا باید آدم کشت و تازه آن هم آدم های بیگناه را؟

از اینجهت بود که فرماندهان نظامی آمریکا از این وضعیت خسته شده و در پی چاره جوی برآمدند. این فرماندهان در روند آدم کشی ارتش آمریکا در کشور های مختلف و اکنون در عراق به این نتیجه رسیده اند که نمیتوانند آدم کشی را در بین سربازان آمریکایی که بالفطره آدم کش نیستند توجیه نمایند. از همین رو سربازانی که در عراق از دستورات فرماندهان خود موجب وقفه در عملیات نظامی میشد و جنایات با تاخیر انجام میدپذیرفت. از سوی دیگر فرماندهان مجبور بودند هر چند یکبار سربازان اعرامی به عراق را به سرزمین خود بار گردانند و این خود موجب صرف هزینه های گزاف و درج اخبار جنایات به بیرون و از آن گذشته تاثیر پذیری سربازان از جامعه و بازنگری آنها به آنچه کرده اند، میگردد. باز نگری به عملکرد ارتش آمریکا و فرماندهان آن در جنگ های مختلفی که رهبران آمریکا علیه بشریت انجام داده اند نشان میدهند که سربازان با بایستی با جبر به آدم کشی ادامه میدادند و خود دچار بیماریهای روانی میشدند که این خود نیز هزینه مند بود و یا آنکه سربازان از دستورات مافوق تمرد میکردند که این خود منجر به شکستن اتوریتته فرماندهان میگردد. و از سوی دیگر وجود سربازی که اتوریتته را شکسته است در بین دیگران نمیتوانست مناسب باشد. لذا میباید با زندانی میشد و یا اینکه منطقه خدمت را ترک مینمود. همه اینها با سیاست های ارتش آمریکا مغایرت داشت. از اینروست که پنتاگون برای اینکه خود را از مخمصه نجات دهد صلاح را در آن دید که ساختن یک روبات آدم کش را به کارخانجات اسلحه سازی آمریکا سفارش و به مناقصه بگذارد. این روباتی اکنون مورد آزمایش قرار گرفته است. او میتواند مثل یک سرباز آمریکایی انسانهای بیگناه را از فاصله 2 کیلومتری نابود میکند؛ بدون آنکه بداند که را کشته و چرا کشته؟ 150 کیلو وزن دارد قدش به اندازه یک کودک 8 ساله است و دچار بیماری روانی نخواهد شد. از آن کذشته کارایی بیشتری در امر خانمان براندازی دارد و هیچ وقت فکر همسر و فرزند و خانواده خود را ندارد و از آن گذشته کاملاً مطیع است و سربازی از دستور مافوق ندارد. تنها عیبش این است که معلوم است که این فرماندهان آمریکایی هستند که اقدام به جنایت میکنند نه سربازان خودسر.

رسول آرام - به نقل از فرانکفورتر نویه پرسی با اندکی تغییر

ادامه از صفحه یک

مبارزه علیه خصوصی سازی و

در حالیکه بوش رئیس جمهور آمریکا بخاطر پیشبرد امر خصوصی سازی و گسترش گلوبالیزاسیون به این یا آن کشور دنیا مسافرت میکند و در بعضی مناطق جهان با استفاده از انواع اسلحه های کشنده بقتل عام انسانها مشغول است، ملت بولیوی برای ملی کردن تاسیسات گاز خود انقلاب کرده و موفق شدند رئیس جمهور را برکنار و رئیس دیوان عالی کشور را به مصدر قدرت برسانند و این کار بزرگ در کمتر از سه هفته انجام گرفت .

در سه هفته که تظاهرات عادلانه مردم جریان داشت تمام 9 استان کشور دچار وقفه در امور ارتباطات و حمل و نقل گردید، مردم موفق شدند از سراسر کشور به پایتخت آمده و علیرغم سرکوب وحشیانه پلیس در استفاده از گاز های اشک آور، گلوله های پلاستیکی، باتون و آلت های دیگر سرکوب، رئیس جمهور " سیا " را مجبور به استعفا نمودند .

قیام مردم بولیوی بعد از قیام مشابه مردم اکوادور که منجر به سقوط رئیس جمهور گردید از سلسله قیامها و مبارزات مردم آمریکای لاتین است که بر علیه حکومتها اجیر و وابسته به آمریکا انجام میگردد، سیاستهای خصوصی سازی دولتهای وابسته به آمریکا بامقاومتها سر سختانه ملت های آمریکای لاتین روبروست .

در اواسط ماه مه پس از آنکه دولت گاز کشور را به یک شرکت آمریکایی فروخت و سرنوشت سوخت کشور را در دست یک آمریکایی قرار داد مردم به اعتراض برخاسته و از دولت خواستند که قرار داد ظالمانه مزبور را لغو نماید . اما دولت که بر سر نیزه و سرکوب تکیه داشت این خواست عادلانه مردم رانادیده گرفت که با مقاومت سرسختانه مردم روبرو شد قابل ذکر است که گروهی سازشکار در کشور ابتدا خواستند تا در مناطق شرقی کشور که منابع گاز در آن قرار دارد ، امر سرنوشت گاز را به آراء عمومی و انتخابات گذارند شاید بتوانند به عمل تجاوز اقتصادی خود شکلی قانونی بدهند ، اما هوشیاری عموم مردم کشور ، موجب شد تا این ترفند با شکست روبرو شود و سر انجام باخلع رئیس جمهور ، بحران سیاسی موقتا پایان یافت . توطئه دیگری نیز که از طرف رهبر مذهبی کلیسای کاتولیک بولیوی و جنبش " ایفوموراس " اصلاح طلب آسمانی " با شعار " بسوی اشتراکی کردن " انجام گرفت باین شکل که مذاکراتی را میان گروه های مختلف براه اندازد ، در حقیقت هدف از این مذاکرات به تعویق انداختن امر مبارزه مردم و سر دوانیدن آنان بود . خوشبختانه این ترفند دیپلماتیک مانند نیز با شکست مواجه شد . " غولهای گاز خوار " در مبارزه خود با مردم باشکست جانانه ای روبرو شدند .

تظاهرات اتحادیه های کارگری، سازمانهای جامعه مدنی، جنبشهای رادیکال دهقانان بومی و بی زمین برای ملی کردن گاز دست بدست هم داده و متحدانه عمل کردند . اما در دوره ای دولت و سایر ارگانه های حاکمه با امروز و فردا کردن و سردوانیدن مردم کوشیدند این درخواست مردم را بتعویق بیندازند ، آنان ابتدا برای آرام کردن مردم

وزیر اقتصاد را مستعفی کرد . و یک هفته بعد رئیس جمهور مجبور به استعفا گردید .

آنچه که به منفجر شدن اوضاع کمک کرد همانا صدور اعلامیه ای از طرف دادگاه عالی کشور بود که در آن گفته میشد همه قرار دادهای فیما بین اداره گاز دولتی و شرکتهای خصوصی آمریکایی و غیر آمریکا باطل است و بدینسان جبهه مردم قدرتمند شد . به همین جهت مردم رئیس دادگاه عالی کشور را به ریاست برگزیدند .

انقلاب ملت بولیوی بر علیه شرکتهای چند ملیتی و خصوصی سازیها تا زگی ندارد . در ماه آوریل 2000 ملت بولیوی بر علیه خصوصی سازی شرکت آب قیام کردند . دولت سرنوشت آب کشور را به دست یک شرکت آمریکایی بنام بکتل سپرد، مردم غضبناک شهر " کاپا بامیا " با ریختن به خیابانها و تظاهرات مداوم دولت را مجبور کردند تا قرار داد را لغو نماید .

موفقیت فوق اعتماد به نفس را در مردم تقویت کرد و موجب شد تا اکنون به حرکت نیرومند دیگری در جهت لغو خصوصی سازی گاز دست بزنند . البته مبارزه هنوز پایان نیافته ، هیئت حاکمه همچنان میکوشد وقت کشی کند موفقیت چپ بولیوی در ساقط کردن دولت، کودتای نظامی و یا دخالت آمریکا تحت نام سازمان ملل و غیره میتواند انجام گیرد، اما خط مترقی و مبارزه جویانه چپ آمریکای لاتین بیشتر ین شانس را در پیشبرد کار ها دارد .

شگفت آور اینکه در ششم جون جورج بوش در جمع روسای کشور های آمریکای لاتین در فلوریدا اظهار داشت که ملت های آمریکای لاتین باید از دموکراسی و اظهار نظر آزادانه برخوردار باشند ، وی در عین حال از جنگهای تجاوز کارانه خود در جهان نیز بخاطر " دموکراسی " دفاع کرد .

اما این بار دموکراسی در کشور بولیوی بر عکس خواسته های بوش حرکت کرد ، این دموکراسی ضربه ای سخت بر شرکتهای چند ملیتی و غارتگرانه وارد ساخت و این در حالی است که آمریکا برای استقرار چنین شرکتهایی در جهان به کشتار انسانها مشغول است .

جالب توجه اینکه کشورهای شرکت کننده در فلوریدا با حضور بوش نیز از اینکه پلیس بولیوی مردم را سرکوب کرده اعتراض کرده و شیوه های این چنینی را محکوم نمودند ، در حقیقت اوضاع آنچنان در آمریکای لاتین پیش میرود که سیاستمداران نیز به ضدو نقیض گونی وادار میشوند .

= تصحیح و پوزش =

در صفحه سیزده هفته نامه 257 گزارشی به نقل از " تبریز نیوز " در مورد مراسم گرامیداشت " بابک " در آذربایجان ایران درج شده بود که نویسنده آن علیرغم برخی نکات مثبتی که در مورد سو استفاده جریانان افراطی و " جدایی طلب " آذری بیان داشته بود اما در عین حال سعی در کتمان مبارزه و عزم مردم آذربایجان برای پایان دادن به تبعیضات ملی و دفاع از حق تعیین سرنوشت خود داشت. او با فرهنگی پنداشتن مراسم گرامیداشت " بابک " سعی در کتمان ماهیت سیاسی و خصلت اعتراضی آن علیه جمهوری اسلامی داشت بازچاپ این گزارش خبری در هفته نامه ، با مواضع شناخته شده سازمان ما در دفاع قاطع از حق تعیین سرنوشت ملل و مبارزه پی گیر برای برابری کلیه ملت ها خوانایی نداشت ، لذا از بابت چاپ آن گزارش پوزش میخواهیم .

هفته نامه راه کارگر

« انقلاب علیه فقر » !

- در بزرگترین رویداد تلویزیونی تاریخ بشر، میلیونها نفر در کنسرت‌های لایو 8 برای ریشه کنی فقر آواز همبستگی سرودند. کهکشانی از ستارگان موسیقی در این برنامه جهانی حضور داشتند. این مجموعه کنسرت های خیریه در 10 شهر جهان با هدف تاکید بر مشکل ادامه دار فقر و بدهی کشورهای فقیر برپا شده و بیش از 160 گروه موسیقی و هنرمند در آنها به اجرای برنامه می پردازند
- برگزار کنندگان لایف هشت خواستار دوبرابر شدن کمک های مالی به کشورهای آفریقایی، بخشودگی بدهی های کشورهای فقیر و امکان تجارت عادلانه در بازارهای جهانی برای کشورهای توسعه نیافته هستند



یکشنبه ۱۲ تیر ۱۳۸۴ - ۳ ژوئیه ۲۰۰۵

بی بی سی: در بزرگترین رویداد تلویزیونی تاریخ بشر، میلیونها نفر در کنسرت‌های لایو 8 برای ریشه کنی فقر آواز همبستگی سرودند. کهکشانی از ستارگان موسیقی در این برنامه جهانی حضور داشتند.

کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد در هایدپارک لندن برای مدت کوتاهی به روی صحنه رفت و خطاب به حضار گفت: "شما سازمان ملل هستید. تمام جهان به نشانه همبستگی با تهیدستان گردهم آمده است. من از طرف افراد فقیر و افرادی که صدایشان را کسی نمی شنود، از شما تشکر می کنم."

نلسون ماندلا، رهبر سابق آفریقای جنوبی در ژوهانسبورگ نیز اعلام کرد که مادامی که فقر و گرسنگی هست، آفریقاییان نمی توانند آرام زندگی کنند. وی از رهبران گروه هشت کشور بزرگ صنعتی جهان استمداد کرد فقر را به تاریخ بسپارند. آقای ماندلا گفت: "مادامی که فقر زق زق می کند، آزادی واقعی را نخواهیم دهیم. اکنون فرصتی برای اقدام است. اکنون شما (رهبران گروه هشت) این قدرت را دارید که مانع از جنایت علیه بشریت شود."

کنسرت لندن یکی از رشته کنسرت هایی است که در 10 شهر جهان برگزار شد. تخمین زده می شود بیش از 200 هزار نفر در هایدپارک حضور یافته باشند.

کنسرت خیریه Live 8 (لایو 8) لندن با اجرای مشترک پل مک کارتنی و گروه یو 2 بعد از ظهر شنبه، دوم ژوئیه، در هایدپارک در مرکز این شهر آغاز شد.

بیل گیتس، بنیانگذار شرکت مایکروسافت و بنیاد خیریه گیتس

نیز در کنسرت لندن حضور داشت. آقای گیتس گفت: "معتقدم اگر مشکلات و راه حل را به مردم نشان دهید، آنها به حرکت در خواهند آمد. ما این کار را (مبارزه با فقر) می توانیم انجام دهیم و وقتی فقر را شکست دهیم، آن بزرگترین کاری خواهد بود که بشریت انجام داده است." بهزاد بلور، از خبرنگاران بخش فارسی بی بی سی که در محل برگزاری کنسرت حضور یافته، اعلام کرد که شرکت کنندگان با شور و احساس فراوان خواستار ریشه کنی فقر بودند.

'انقلاب مدونا'

در کنسرت هاید پارک، خواننده ها معمولاً قبل از اجرای آهنگ خود، یک سخنرانی کوتاه در مورد فقر داشتند و تاکید می کردند که شنوندگانشان از حالا باید معنی آهنگ آنها را نوع دیگری درک کنند و اینگونه اظهارات، باعث ایجاد بغض و حسیت عجیب در میان شرکت کنندگان می شد.

مدونا از حضار در هاید پارک پرسید: "آیا آماده انقلاب هستید؟ آیا آماده تغییر مسیر تاریخ هستید؟"

مدونا که همراه گروه کر خود سفید پوشیده بود، در کنار دختری جوان از اتیوپی ایستاده بود که به کمک اولین کنسرت خیریه باب گلدوف، Live Aid، از خطر مرگ ناشی از فقر نجات یافته بود.

وقتی ویل اسمیت، خواننده و بازیگر آمریکایی، در فیلادلفیا از همه علاقه مندان به کنسرت های لایو 8 خواست که هر 3 ثانیه یک بار (به نشانه مرگ یک کودک از فقر مفرط) همزمان بشکن بزنند، تمامی شرکت کنندگان حاضر در کنسرت های هایدپارک، رم، پاریس، ژوهانسبورگ، برلین و فیلادلفیا منقلب شدند.

آقای اسمیت گفت: "ما همه متحد شده ایم. ما از هشت رهبر قدرتمند جهان می خواهیم به این تراژدی فقر پایان دهند."

در لندن نیز استینگ، خواننده بریتانیایی، آهنگ "هر نفس تو" را در مقابل تصاویری از رهبران گروه هشت خواند و در پایان به آنها در استانه اجلاس این هفته شان گفت: "ما ناظر شما هستیم."

بهزاد بلور اضافه می کند که در موقع سخنرانی آقای اسمیت، جمعیت حاضر در هایدپارک بسیار تحت تاثیر اظهارات او قرار گرفته بودند و به راحتی می شد حس وحشتناک مرگ کودکان را در چهره های آنها مشاهده کرد.

به گفته خبرنگار بخش فارسی بی بی سی، امروز روزی است که تظاهرات از نوع دیگری بنیان گذاشته شده، تظاهراتی که در آن شعار تظاهرکنندگان، موسیقی است.

پینک فلوید بازگشت

دیوید گیل مور، از گروه پینک فلوید در مورد بازگشت این گروه به عالم موسیقی در هایدپارک که در واقع برنامه آخر کنسرت لندن است، گفت: "این طور نبود که راجر واترز، (یکی از خواننده های برجسته این گروه که مدت هاست از پینک فلوید جدا شده)، را پای تلفن صدا بزنیم و از او خواهیم که به این کنسرت بیاید. یکی از بچه ها ساعت ها با راجر صحبت کرد و به او گفت که باید با هم باشیم چون اتفاق بزرگی در راه است."

سازماندهندگان امیدوارند این کنسرت ها رهبران گروه 8 را ترغیب کند که موضوع فقر را در دستور کار اجلاس آتی خود قرار دهند

آقای گیل مور گفت: "خیلی ها می گویند که این کنسرت ها



فایده ندارد. من از شما می پرسم وقتی این همه آدم به حرف های ما گوش می دهند، چطور چنین چیزی نمی تواند تاثیر داشته باشد؟" او افزود: "اجرا برای 50 نفر بسیار ترسناک است اما برای 50 هزار نفر خیلی ساده." در همین مراسم براد پیت، بازیگر سرشناس هالیوود، در سخنانی در این مراسم گفت: "بگذارید از این به بعد، محل تولد ما تعیین کننده خوشبختی و یا فلاکت ما نباشد. ما در (غرب) در نهایت ناز و نعمت بزرگ شده ایم. جهان سوم را فراموش نکنیم. ما می توانیم نسلی باشیم که دنیا را عوض می کند." هنرپیشه فیلم "آقا و خانم اسمیت" افزود: "تا این کنسرت به پایان برسد، 30 هزار نفر در آفریقا جان باخته اند. فردا تا این موقع نیز 30 هزار نفر دیگر از بین رفته اند. این مساله معقول نیست. ما به همین دلیل امشب به اینجا آمده ایم."

'بزرگترین حجت تاریخ'

همزمان با رشته کنسرت های لایو 8، بیش از 120 هزار نفر در شهر ادینبورگ، مرکز اسکاتلند، جمع شدند تا رهبران 8 کشور ثروتمند جهان را برای کمک به کاهش فقر در سطح جهان تحت فشار بگذارند.

این مجموعه کنسرت های خیریه در 10 شهر جهان با هدف تاکید بر مشکل ادامه دار فقر و بدهی کشورهای فقیر برپا شده و بیش از 160 گروه موسیقی و هنرمند در آنها به اجرای برنامه می پردازند.

سازماندهندگان امیدوارند این کنسرت ها که با گردهمایی بزرگ در شهر ادینبورگ، پایتخت اسکاتلند، همزمان شده است، رهبران هشت کشور صنعتی بزرگ جهان، گروه 8، را ترغیب کند که موضوع فقر را در دستور کار اجلاس آتی خود در ادینبورگ قرار دهند.

نیروی محرکه این کنسرت ها، باب گلدوف خواننده و آهنگساز ایرلندی و از فعالان مبارزه با فقر گفته است اگر رهبران جهان بر سر چگونگی پایان دادن به فقر به توافق نرسند، به میلیون ها فرد فقیر و آسیب پذیر خیانت خواهند کرد.

این کنسرت ها تکرار کنسرت خیریه باب گلدوف در سال 1985 است. وی در نامه ای سرگشاده که در مطبوعات بریتانیا به چاپ رسید، اعلام کرد که شرکت کنندگان میلیونی این رویدادها "بزرگترین حجت تاریخ" برای پایان دادن به فقری هستند که روزانه جان 50 هزار نفر را می گیرد.

مدونا، کلد پلای، آر ای ام، سر پل مک کارتی و گروه کین از جمله هنرمندانی هستند که در برنامه لندن به صحنه می روند. استیوی واندر هم در آمریکا برنامه اجرا می کند.

همچنین دو کنسرت Live 8 (لایو 8) در توکیو، پایتخت ژاپن و ژوهانسبورگ، پایتخت آفریقای جنوبی برگزار شد.

در مرکز ژوهانسبورگ یک صحنه گول پیکر برای اجرای برنامه برپا شده و بر پرچمی که دور تا دور آن آویزان است، نوشته شده: به فراخوان جهانی برای مبارزه با فقر ملحق شوید.

اما یکی از خبرنگاران بی بی سی در ژوهانسبورگ می گوید رسانه های دیگر کشورهای آفریقایی علاقه چندانی به رشته برنامه های لایو 8 نشان نداده اند.

به گفته خبرنگار بی بی سی در امور جهانی، اینگونه ابتکار عمل ها و کنسرت ها قبلا نیز برگزار شده و برای برخی از مردم، ارتباط این برنامه ها با زندگی روزمره آفریقایی ها همچنان سوال است.

تمام اروپا رقصید

در دیگر پایتخت های کشورهای اروپایی نیز صدها هزار نفر از

علاقه مندان موسیقی در کنسرت های لایو 8 شرکت کرده اند. گفته می شود حدود 200 هزار نفر در پارک قلعه ورسای در نزدیکی پاریس گرد آمده اند تا از نزدیک شاهد هنرنمایی ستارگانی چون "پلیسبو" و "کیور" باشند. در رم نیز مردم در آنچه بزرگترین کنسرت در تاریخ ایتالیا خوانده شده، شرکت کرده اند. کنسرت لایو 8 آلمان در مرکز شهر برلین برپا شد و در آن علاوه بر هنرمندان بسیار سرشناس آلمانی، گروه های موسیقی درجه اول بین المللی شرکت دارند. در مسکو نیز گروه Pet Shop Boys در میدان سرخ به روی صحنه رفتند.

برگزاری 9 کنسرت زنده با عنوان «لایو 8» برای جلب توجه جهان به فقر در آفریقا

دوپچه وله: امروز در شهرهای برلین، لندن، توکیو، پاریس، فیلادلفیا، تورنتو، مسکو، ژوهانسبورگ و رم، پنج و نیم میلیارد نفر شاهد برگزاری این کنسرتها خواهند بود.

در روزهای چهارشنبه تا جمعه این هفته که برابر است با ششم تا هشتم جولای، نشست سران هفت کشور صنعتی و روسیه در اسکاتلند و با هدف مبارزه با فقر در آفریقا برگزار خواهد شد. قبل از برگزاری این نشست، امروز در شهرهای توکیو، برلین، پاریس، لندن، رم، فیلادلفیا، تورنتو، مسکو و ژوهانسبورگ نه کنسرت زنده با عنوان «لایف هشت» برگزار خواهد شد. بیست سال پیش باب گلدوف موزیسین معروف راک از ایرلند، از مجریان کنسرتی با نام «لایف اید» و با کمک به زندگی بود. وی با الهام از آن کنسرت اکنون نام این کنسرت ها را لایف هشت نامیده است که هدف آن جلب توجه جهانیان به فقر در قاره آفریقا و اعمال فشار به رهبران هشت کشور صنعتی جهان برای مبارزه با آن اعلام شده است. برگزار کنندگان لایف هشت خواستار دوبرابر شدن کمک های مالی به کشورهای آفریقایی، بخشودگی بدهی های کشورهای فقیر و امکان تجارت عادلانه در بازارهای جهانی برای کشورهای توسعه نیافته هستند.

تونی بلر نخست وزیر انگلیس در سال گذشته کمیسیونی را که باب گلدوف نیز در آن عضویت دارد، مامور ساختن طرح ها و پیشنهادهایی برای مبارزه با فقر ارائه دهند. او اکنون به همراه برگزار کنندگان این کنسرت ها در نامه سرگشاده ای که امروز در روزنامه انگلیسی تایمز به چاپ رسید نوشت: «لایف هشت به این خاطر برگزار میشود که شما رهبران و روسای جمهور هشت کشور صنعتی، اکنون و در سال دو هزار و پنج خواسته مبارزه با فقر که از سوی کمیسیون آفریقا نیز اعلام شده را به اجرا درآورید».

ورود همه گان به این کنسرت ها آزاد است و انتظار میرود که بیش از دو میلیون نفر در این کنسرت ها حضور یابند، سر بوب گلدوف در این باره میگوید که ما به پول شما نیاز نداریم، ما به رای و حضور شما نیاز داریم. در این کنسرتها بیش از صد و پنجاه گروه موزیسین برنامه اجرا خواهند کرد. در لندن رابی ویلیامس، استینگ و التون جان بر روی صحنه خواهند رفت. در پاریس شکیرا، دیدو و در سایر شهرها نامداری چون مادونا و گروه اوتو نیز دیده میشوند. کنسرت برلین که در خیابان هفدهم ژوئن و بین دروازه براندنبورگ و ستون پیروزی برگزار میشود بیش از صد هزار نفر حضور خواهند داشت و در کنار هربرت گرونه مایر خواننده معروف آلمانی، گروههایی چون توتن هوزن و زونه مانهایمس نیز بر روی صحنه خواهند رفت. کوین وال از برگزار کنندگان این کنسرت ها میگوید که هشتاد و پنج درصد مردم دنیا یعنی پنج و نیم میلیارد نفر در صد و چهل

کشور میتوانند از طریق تلویزیون، اینترنت و رادیو در جریان این کنسرت ها قرار گیرند.

گزارش مختصر از آکسیون بزرگداشت ۱۸ تیر در لندن



در سالگرد ۱۸ تیر، روز سرکوب جنبش آزادیخواهان دانشجویی در ایران، گروههای چپ و آزادیخواه ایرانی در انگلستان، تظاهراتی را امروز شنبه ۹ جولای، در یکی از خیابانهای مرکزی شهر لندن، برگزار کردند. تظاهرکنندگان در بیانیه خود ضمن برشماری جنایتهای حکومت اسلامی در ۲۶ سال گذشته، و در حبس بودن زندانیان سیاسی، خصوصاً دانشجویان تظاهر کننده در تیرماه ۷۸، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، پایان دادن به سرکوب گروهها و جریانات آزادیخواه، کارگران پیشرو، دانشجویان و پیشروان جنبشهای اجتماعی شدند.

تظاهرکنندگان با برافراشتن پلاکاردهایی ضمن محکوم کردن رژیم تروریستی حاکم بر ایران، خواهان پایان دادن به سیاست ممانعت با جنایتکاران حاکم بر ایران شده و در دفاع از زندانیان سیاسی، لغو آپارتاید جنسی و مذهبی در ایران، پایان دادن به سرکوب تشکلهای اجتماعی آزادیخواه و خلقهای تحت ستم ایران، شعار دادند. تظاهرکنندگان ضمن بر شمردن سیاستهای جنایتکارانه ای که علیه زنان، جوانان، خلقهای تحت ستم، اقلیتهای مذهبی و گروههای دگراندیش اعمال میشود بر این باورند که تنها نجات مردم ایران از وضعیت کنونی، سرنوشتی رژیم اسلامی در کلیت آن بدست توانای مردم ایران است. مردمی که خواهان آزادی، برابری و علیه مداخله خارجی قدرتهای امپریالیستی هستند. این حرکت توسط فعالین جریانات چپ و آزادیخواه از جمله: چریکهای فدایی خلق ایران، سازمان دمکراتیک ضد-امپریالیستی ایرانیان در انگلستان، کمیته زنان کانون ایرانیان لندن، سازمان زنان ایرانی و افغانستانی ۸مارس - انگلستان، کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران در لندن و سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر و با پشتیبانی جمعی از فعالین سیاسی چپ ترکیه، برگزار شد.

لازم به تذکر است که در شهرهای برلین و پاریس نیز آکسیونهایی برگزار شد که اولی توسط "کمیته دفاع از زندانیان

سیاسی ایران - برلین " و دومی توسط "انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیده تی - پاریس " سازماندهی شده بود .

گزارش هفده روزه تحسن استکھلم

به دعوت کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید) واحد سوئد، تحصنی از تاریخ ۲۱ ژوئن تا ۷ ژوئیه ۲۰۰۵ با خواست آزادی ناصر زرافشان و سایر زندانیان سیاسی در شهر استکھلم برگزار گردید. این تحصن، با استقبال ایرانیان آزادیخواه مقیم استکھلم و فعالیت مشترک شماری از فعالین چپ و کمونیست استکھلم، کانون نویسندگان ایران(در تبعید)، سازمان فدائیان(اقلیت)-سوئد، حزب کار ایران(توفان)، استکھلم، کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)، سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی، رادیو همبستگی و رادیو چکاوک مواجه شد. تحصن فعالیت خود را با هدف طرح مجدد مسئله زندانیان سیاسی در ایران، شرایط سرکوب و غیرانسانی حاکم بر جامعه، وضعیت کارگران، زنان، جوانان، نبود آزادی بیان اندیشه و تشکل و مطبوعات مستقل از حکومت، در افکار عمومی آغاز کرد و مجموعه فعالیتهایی در خصوص ناصر زرافشان، وکیل خانوادههای قتل‌های زنجیره‌ای به انجام رساند.

تحصن از ساعت ده صبح تا ده شب محل رفت و آمد ایرانیان آزادی خواه و جلسات بحث و گفت‌وگوی سیاسی بود و روزانه بعد از ظهرها، جلسه‌ای با شرکت حاضرین در محل تحصن برای بررسی فعالیت‌های روزانه و تدوین فعالیت‌های روز بعد برگزار می‌شد و کمیته‌های سه گانه ارتباطات، تبلیغات و تدارکات که روز اول تحصن از سوی جمع حاضر در جلسه انتخاب شده بود، تصمیمات جمع را به اجراء در می‌آوردند.

طی تحصن چندین برنامه فرهنگی و سیاسی و جلسات بحث و گفت‌وگو برگزار گردید و موضوعاتی نظیر "ایران بعد از انتخابات ریاست جمهوری رژیم"، "مسئله زنان"، نقش روشنفکران و هنرمندان در سیاست"، "زندانی سیاسی چه کسی است؟" و "وضعیت زندانیان سیاسی در ایران" و چند موضوع جانبی دیگری مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت.

از این تحصن به غیر از ایرانیان آزادیخواه مقیم استکھلم، همسایگان سوئدی و کسبه نزدیک به محل تحصن حمایت کرده و با آمدن به محل تحصن و اهدای گل حمایت خود را این حرکت اعتراضی اعلام کردند.

مادران جان‌باختگان زندان‌های دو رژیم سلطنتی و اسلامی از ایران و چندین حزب و نهاد فرهنگی و سیاسی نظیر حزب چپ سوئد، انجمن قلم سوئد، کانون نویسندگان ایران(در تبعید)، کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی راه کارگر، حزب کار ایران(توفان)، سازمان فدائیان(اقلیت)-سوئد، کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران و اتحاد انقلابی نیروهای چپ و کمونیست برای تحصن پیام فرستادند و حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمیست، رادیو آوا در کلن آلمان و هیئت تحریریه رادیو برابری نیز از آن حمایت کردند.

در راستای اهداف تعیین شده برای تحصن، متخصصین به فعالیت‌هایی طی هفده روزه تحصن دست زدند که اهم آن به قرار زیر است:

ارتباط و مکاتبه و گفت‌وگو با نهادهای سوئدی نظیر وزارت امور خارجه و نمایندگان پارلمان سوئد و نهادهای حقوق بشری نظیر سازمان عفو بین‌الملل، سازمان نظارت بر حقوق بشر در خاورمیانه، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر اروپا، احزاب و سازمان چپ و مترقی سوئد.

انتشار چندین اطلاعیه و بیانیه و ارائه گزارش روزانه فعالیت‌های تحصن و مصاحبه‌های مطبوعاتی با روزنامه‌ها و رسانه‌های ایرانی و سوئدی نظیر رادیو پ یک سوئد، رادیو پژواک، رادیو فردا، رادیو همبستگی، رادیو برابری، رادیو چکاوک، رادیو ۲۴ ساعته کردی و فارسی روزحلات و شماری از رادیوهای فارسی زبان استکھلم.

کمیته‌های سه گانه تحصن، یک کنفرانس مطبوعاتی را در راستای اهداف تعیین شده، روز دهم تحصن در محل تحصن سازمان دادند و برای تدارک آن تماس‌های گسترده‌ای با مطبوعات، رادیو و تلویزیون، احزاب و سازمان‌ها سوئدی و بین‌المللی حقوق بشری و پناهندگی

گرفته شد، اما به علت تعطیلات تابستانی بسیاری از آنان نتوانستند در کنفرانس شرکت کنند. انجمن قلم سوئد، کانون وکلای بدون مرز

گزارش هفده روز تحصن

قطعنامه پایانی تحصن استکهلم

سوئد، رادیو ۲۴ ساعتی کردی و فارسی زبان روزجلات، روزنامه پرتیراژ سوئد، سونسکا داگ بلادت و روزنامه اتحادیه کارگران پست سوئد در کنفرانس شرکت کردند. روزنامه پرتیراژ سوئدی سیتی و هفته نامه های فلامان و سولنا سوئدی بری و روزنامه یوتوری پستن نیز به درج مطالبی در مورد تحصن و اهداف آن پرداختند.

در ادامه فعالیتها، تحصن اقدام به برگزاری یک جلسه پالتاکی در روز سه شنبه، چهارده تیرماه برابر با پنج ژوئیه کرد و سه مهمان از ایران؛ سیمین بهمانی، عضو کانون نویسندگان ایران، هما زرافشان، همسر ناصر زرافشان، علی اشرف درویشیان، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و عباس سماکار عضو کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در آن شرکت کردند. مهمانان به بررسی وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و آخرین وضعیت ناصر زرافشان و اعزام او به بیمارستان لیاقتی نژاد برای ادامه معالجه و درمان پرداختند. سیمین بهمانی و علی اشرف درویشیان به شدت نسبت به پاره‌گونی‌های حاکمیت که می‌گویند در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد اعتراض کردند و خواستار فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی شدند. فریبرز رئیس دانا، که در جلسه شرکت داشت، به تشریح فعالیت‌های تحصن مقابل زندان اوین پرداخت و اقداماتی را که کمیته پیگیری آزادی زرافشان انجام داده بود، مورد کنکاش قرار داد. عباس سماکار، ضمن ارائه تعریفی درباره مفهوم زندانی سیاسی، رژیم جمهوری اسلامی را جنایت‌کاری خواند که نشان داده است برای ادامه حیات منحوس خود حاضر است به هر جنایتی از جمله قتل عام زندانیان سیاسی و قتل‌های زنجیره‌ای دست بزند.

بهرام رحمانی، یکی از سخن‌گویان تحصن ضمن تشریح اهداف تحصن، گزارشی از فعالیت‌های تحصن و اقدامات اعتراضی آن در افشای سیاست‌های ضدبشری رژیم در زندان‌های سیاسی ارائه داد. وی در ادامه با بیان این نکته که اطلاعاتی که به خارج از ایران می‌رسد محدود به زندان‌های اوین و گوهردشت (رجائی شهر) است و زندان‌های رژیم پر از زندانیان سیاسی گمنامی است که در هیچ جا نامی از آن‌ها پرده نمی‌شود، به ذکر مواردی در رابطه با انعکاس وسیع این افشاگری‌ها در افکار عمومی جامعه سوئد و خارج از آن پرداخت. در این جلسه نزدیک به ۲۰۰ کامپیوتر با میانگین ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر در آن حضور داشتند.

عصر پنجشنبه ۱۶ تیرماه برابر با ۷ ژوئیه، آخرین جلسه متحصنین در محل تحصن برگزار گردید. در این جلسه ضمن بررسی و بحث درباره فعالیت‌های انجام گرفته از سوی تحصن، متحصنین بر این عقیده بودند که این اعتراض جمعی موفق بوده و توانست در سطح معینی مسئله زندانیان سیاسی و وضعیت ناصر زرافشان، وکیل خانواده‌های قتل‌های زنجیره‌ای را یک بار دیگر در مرکز توجه افکار عمومی در داخل و خارج ایران قرار دهد. این اقدام اعتراضی، در نوع خود اولین حرکتی بود که در ارتباط تنگاتنگ با اقدام مشابه آن در ایران انجام گرفت و توانست بخشی از فعالان فرهنگی و سیاسی، به ویژه خانواده‌های زندانیان سیاسی و جان‌باختگان زندان‌های رژیم را با آن هماهنگ نماید.

شرکت‌کنندگان در آخرین جلسه تحصن، به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌ها در اشکال و قالب‌های دیگر ادامه یابد. لذا جمع بعد از حدود چهار ساعت بحث و گفت‌وگوی فشرده، تصمیم گرفت به تحصن استکهلم پایان دهد و در این رابطه شب همبستگی با زندانیان سیاسی برگزار نماید. کمیته‌های سه‌گانه مسئولیت یافتند امکانات را برای برگزاری چنین شبی، مورد ارزیابی قرار داده و نتیجه را به افکار عمومی اعلام نمایند. در پایان قطعنامه پیشنهادی پایان تحصن مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و قرار بر این شد بر اساس پیشنهادهای که در جلسه صورت گرفت، سه نفر قطعنامه را تنظیم و منتشر نمایند. این قطعنامه ضمیمه گزارش است.

- آزادی کلیه زندانیان سیاسی
- منع هرگونه شکنجه و آزار جسمی و روانی
- منع پیکردهای سیاسی
- برچیدن زندان‌های سیاسی
- لغو مجازات مرگ در هر شکل و نوع آن، به ویژه احکام مرگ زندانیان سیاسی که اکنون در زندان‌های رژیم در انتظار مرگ بسر می‌برند
- آزادی تحزب، تشکل، تجمع، اعتصاب و اعتراض
- محاکمه سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت، کشتار زندانیان سیاسی، ترور فعالین سیاسی و فرهنگی، اعمال شکنجه، نقض حقوق توده‌های مردم ایران و...

متحصنین استکهلم

۱۷ تیر ۱۳۸۴ برابر با ۸ ژوئیه ۲۰۰۵

متحصنین استکهلم

جمعه ۱۷ تیر ۱۳۸۴ برابر با ۸ ژوئیه ۲۰۰۵

گرامی باد ششمین سالگرد خیزش 18 تیر

سالهای اخیر تشکل رسمی " دفتر تحکیم وحدت " دچار بحران و انشعاب شده و بخش قابل توجهی از آنها برای جلوگیری از ایزوله شدن کامل خود در میان دانشجویان ، ضمن خروج از جبهه سترون " دو خردادیها " بر غلظت مطالبات خود بیفزایند که نقطه اوج آن، تحریم انتخابات کدایی اخیر توسط این تشکل بوده است .

اکنون که شش سال از آن واقعه فراموش نشدنی می گذرد شاهد آنیم که استقلال جنبش دانشجویی، ابعاد کیفی نوینی پیدا می کند که وجه مشخصه آن، نه تنها گسست کامل از جناحهای رژیم، بلکه گسست از جریانات دانشجویی لیبرال و مدافع سرمایه داری است که گر چه با کلیت رژیم مخالفند، اما افق مطالبات اجتماعی جنبش توده ای و دانشجویی را در دایره تنگ " دمکراسی لیبرالی " محدود می کنند . در واقع دو دهه پس از شکنجه و اعدام هزاران دانشجوی چپ و نیز تبعید اجباری هزاران تن دیگر از آنها، موج سوسیالیستی نوینی در میان نسل سومی ها شکل گرفته که دانشجویان چپ و نشریات دانشجویی رادیکال، وزن ویژه ای را در میان آنها تشکیل می دهند . عروج این فشر رادیکال و آرمانخواه، سبب شده که در دو ساله اخیر، آرام آرام شعار نان، عدالت اجتماعی و برابری، در کنار شعار آزادی و دمکراسی به گوش رسد و تصویر " چه گوارا " (نمادی از چپ رزمنده و آرمانخواه جهان) زینت بخش بسیاری از میتینگهای دانشجویی شود. این فشر آگاه و در حال رشد، نه تنها میتواند تأثیرات تعیین کننده ای بر حرکات جاری و آتی جنبش دانشجویی بجای گذارد، بلکه سهم شایسته ای در گسترش شعار و مطالبات برابری طلبانه در روند مبارزه طبقاتی کنونی داشته باشد . پیروزی فاشیست جنایتکاری همچون " احمدی نژاد " در پالماسکه انتخاباتی اخیر که بخشاً ناشی از طرح عوامفریبانه شعارهای " عدالت خواهانه " بود، نیز نشان داد که چقدر جامعه و اکثریت لگدمال شده آن به پیشروان چپ و سوسیالیست که آزادی و برابری را توأمان طرح کنند، نیاز دارد . دانشجویان چپ در کنار کارگران پیشرو سوسیالیست و فعالین زن سوسیال - فمینیست، نقش حساسی در این دور از حیات سیاسی کشورمان ایفاء می کنند . از اینرو یاری رسانی به گسترش هر سه لایه فوق الذکر و ایجاد ارتباطات طبیعی و پیوندهای استوار میان آنها، یکی از مهمترین وظایف نیروهای سیاسی وفادار به اردوی کار و زحمت است .

با تاکید بر این رسالت تعطیل ناپذیر و سرنوشت ساز، سالگرد خیزش شش روزه تیرماه 78 را همدوش با دانشجویان و عموم آزادیخواهان در داخل و خارج از کشور ، گرامی میداریم و در سالروز آن حماسه، دوش بدوش دانشجویان، بار دیگر بر آزادی کلیه دستگیرشده گان آن واقعه و کلیه زندانیان سیاسی و ضرورت محاکمه آمران و عاملان آن شبیخون فاشیستی پای می فشاریم .

پرتوان باد جنبش دانشجویی ایران
زنده باد آزادی ، زنده باد برابری

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

شش سال پیش در هیجده تیر ماه 78، مزدوران انصار حزب الله به کمک عوامل اطلاعاتی رژیم و نیروی انتظامی به فرماندهی " سردار فرهاد نظری " به بهانه بر پا شدن یک میتینگ اعتراضی توسط دانشجویان که فریاد اعتراض خود را علیه بسته شدن روزنامه " سلام " و تشدید فشار بر مطبوعات و روزنامه نگاران بلند کرده بودند، یورش وحشیانه ای را به خوابگاه دانشجویان واقع در امیر آباد تهران آغاز کردند . در جریان آن تهاجم فاشیستی در بامداد هیجده تیر، صدها دانشجو مورد ضرب و شتم قرار گرفته، دهها تن به شدت مجروح و یک نفر کشته شد . در فردای این شبیخون، موجی از اعتراضات ، محیط های دانشگاهی تهران و برخی دیگر از شهرهای بزرگ نظیر تبریز را فرا گرفت که با پیوستن دهها هزار جوان و مردم جویای آزادی و برابری به صفوف آنها، خیزش غرور انگیزی به مدت شش روز ایران را لرزاند که ضمن به هراس انداختن کلیه جناحهای رژیم، انعکاس وسیعی در سطح افکار عمومی و رسانه های بین المللی پیدا کرد . آن خیزش شورانگیز، بدلیل ضد حمله رژیم، سرکوب خشن اعتراضات خیابانی ، دستگیری وسیع فعالین و رهبران جنبش دانشجویی، و صد البته بدلیل ضعف های درونی خود ، از جمله ضعف سازماندهی و رهبری و نیز عدم پشتیبانی لازم دیگر جنبش های اجتماعی و در رأس آنها جنبش کارگری، با شکست مواجه شد ، اما صفحه جدیدی را در تاریخ جنبش دانشجویی ایران ورق زد و درسهای گرانقدری را برای آن به ارمان آورد .

مهمترین دستاورد جنبش 18 تیر این بود که توانست فاز جدیدی از حرکات و تشکل های مستقل دانشجویی را آغاز کند . جنبش دانشجویی ایران، بعد از سرکوبها و تعطیلی دانشگاهها در اردیبهشت 59 و بویژه بعد از دستگیری و حبس و اعدام هزاران دانشجوی چپ و مبارز در دوران پس از سی خرداد 60، عملاً دچار رکودی مزمین شد، به نحوی که حتی پس از بازگشایی دانشگاهها نیز نتوانست کمر راست کند . در سراسر سالهای 62 تا 76 جز انجمن های اسلامی وابسته به رژیم، هیچ تشکل دیگری وجود نداشت . در دوران پس از خرداد 76 نیز که تشکل های عمده دانشجویی به " اصلاح طلبی " روی آوردند و فضای نسبی برای بروز برخی حرکات سیاسی توسط دانشجویان فراهم آمد ، باز اثری از یک جنبش مستقل نبود و تقریباً همه چیز تحت کنترل " دفتر تحکیم وحدت " قرار داشت . اما در هیجده تیر- زمانیکه رهبران دفتر تحکیم وحدت بدلیل وابستگی خود به جناح خاتمی، ناتوانی خویش را در تعمیق اعتراضات برحق دانشجویان، به معرض نمایش گذاشتند، نسل نوینی پا به عرض مبارزه گذاشت که از استقلال و رزمنده گی جنبش دانشجویی حمایت می کرد . همین نسل که در آغاز محافل کوچکی بیش نبودند ، اکنون به بخش وسیعی از فعالین دانشجویی تبدیل شده اند که نفوذ آنها حتی سبب شده که در

5 ژونیه 2005 / 14 تیر 84